



مجموعه آثار:

علامه سید مرتضیٰ علمگونی

برگستره کتاب و سنت

مترجم: محمد جواد کرمی



امامان این امت دوازده نفرند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برگسترده کتاب و سنت

امامان این امت دوازده نفرند

تألیف: علامه سید مرتضی عسکری

ترجمه: محمدجواد کرمی

تصحیح و تنظیم: کرمرضا خزلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا). (سوره احزاب، آیه ۲۱)
به راستی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای شما
اسوه و سرمشق نیکویی است، برای آنان که به خدا و روز
قیامت امید داشته و خدا را بسیار یاد می کنند.

مقدمه ناشر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الحمد لله رب العالمين كثيراً كما هو أهله، و الصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين، سيما بقیة الله فی العالمین، واللعنة على أعدائهم ومخالفیهم و منكری فضائلهم).

همانا انبیای الهی و در پی ایشان اوصیای آنها و در دوران غیبت علمای دین گشایندگان راه و روشن کنندگان مسیر الی الله هستند. مثل آنها مانند ماه و ستارگان در شب تاریک و ظلمانی است. سوسو زنان هدایتگر جا ماندگان در راهند.

انبیا و اوصیای ایشان طلیعه داران این مکتبند. علما و فقهاء پیروان ایشانند در دوران غیبت در شناسایی سیره انبیا و اوصیا که حقیقت اسلام است و در اعمال و حرکات و گفتار آنان تجسم شده است. این علما و فقهاء هستند که سره و ناسره را از هم جدا کرده و به کنکاش در حقیقت اسلام پرداخته و آن را در اختیار مردم قرار می دهند تا آنان را از غرق شدن در گرداب جهالت نجات دهند.

حضرت آیت الله علامه عسکری یکی از این شخصیت‌های نادر در جامعه اسلامی تشیع است که عمر شریف و با برکت خود را در تحقیق و تدبر در شناخت اسلام مکتب اهل بیت (علیهم السلام) گذرانده است. ایشان مباحث دینی را از جایگاه برخورد‌های سطحی به عمق تحقیق علمی کشاند و به دور از تعصبات مذهبی و با ادله مورد قبول دو مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و مکتب خلفا به دفاع از مذهب تشیع پرداخت.

بدین سبب تألیفات معظم له در سراسر جهان اسلام اشتها خاصی یافته و به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر گردیده است.

کتاب حاضر تدوین شده هفده جزوه بر گستره کتاب و سنت است که در سالهای قبل به صورت مجزا و در قطع جیبی چاپ گردیده است و شامل بررسی و پاسخهای جامع و مانع ایشان از مصادر و کتب معتبر اهل سنت به مسائل مطرح شده آنها علیه مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است.

موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری در جهت حمایت مادی و معنوی از فعالیتها و آثار علامه عسکری و گسترش هرچه بیشتر دامنه این فعالیتها در فعالیتها در سطح جوامع اسلامی تشکیل شده است.

روابط عمومی موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری

مقدمه

(وحدت بر محور کتاب و سنت)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ
السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ الْبَرَّةِ الْمَيَامِينِ).

ما مسلمانان یکپارچه، از درون و از راه مسائل اختلافی با خود به نزاع
برخاستیم و دشمنان اسلام از برون و از راهی که ندانستیم، وحدتمان را به
تفرقه و شوکتان را به ضعف کشاندند تا از دفاع ناتوانمان کردند و بر ما
چیرگی یافتند؛ در حالی که خدای سبحان فرموده است:

(وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ) (۱)

خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان
شوید و قدرت و شوکت شما برود!

پاورقی:

۱- سوره انفال، آیه ۴۶.

آری:

(وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ) (۱)

هر مصیبتی به شما رسد، دستاورد خودتان است و خداوند بسیاری را نیز، می بخشد!

پس شایسته آن است که امروز و هر روز، به « کتاب و سنت » بازگردیم و وحدت کلمه خود را بر محور « کتاب و سنت » باز یابیم که خدای متعال می فرماید:

(فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ). (۲)

اگر در چیزی نزاع کردید [حکم] آن را به خدا و رسول بازگردانید.

ما نیز، در این سلسله از بحثها به « کتاب و سنت » مراجعه کرده و ابزار روشنگر راهنما در مسائل مورد اختلاف را از « کتاب و سنت » می گیریم تا به اذن خدای متعال بار دیگر وسیله وحدت کلمه و یکپارچگی شود. امیدواریم دانشمندان و متفکران اسلامی نیز، در این میدان با ما همراهی نموده و دیدگاههای خود را برای ما ارسال دارند.

سید مرتضی عسکری

پاورقی:

۱- سوره شوری، آیه ۳۰.

۲- سوره نساء، آیه ۵۹.

امامان این امت دوازده نفرند

نص صریح پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر تعداد امامان (علیهم السلام)

حدیث عدد امامان

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) خبر داده است که امامانی که بعد از او می آیند، دوازده نفرند. این موضوعی است که صاحبان کتب صحیح و مسند که نامشان در زیر می آید، از آن حضرت روایت کرده اند:

الف) مسلم در صحیح خود از جابر بن سمره روایت کند که گفت: شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می فرمود:

«این دین همیشه، تا قیام قیامت و تا هنگامی که دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند، استوار و برپاست. این خلفا همگی از قریش اند.»

در روایت دیگری آمده است:

«همیشه کار مردم روبه راه است...».

در دو روایت دیگر آمده است:

« تا آنکه دوازده خلیفه بیایند... ».

در سنن ابو داود آمده است:

« تا آنکه دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند ».

در حدیث دیگری است که فرمودند:

« تا پایان دوازده نفر ». (۱)

و در صحیح بخاری گوید: از پیامبر (صلی الله علیه وآله) شنیدم که می فرمود: « دوازده نفر امیر و فرمانده اند » راوی گوید: پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از آن سخنانی فرمود که من نفهمیدم، پدرم گفت: فرمود: « همگی آنان از قریش اند ».

پاورقی:

۱- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳، حدیث ۱۸۲۱، این روایت را از آن رو برگزیدیم که جابر خود آن را نوشته است. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۶۵، کتاب الاحکام؛ سنن ترمذی، باب ما جاء فی الخلفاء من ابواب الفتن؛ سنن ابو داود، ج ۳، ص ۱۰۶، کتاب المهدی؛ مسند طایلسی، حدیث ۷۶۷ - ۱۲۷۸؛ ۱۰۶ - ۱۰۸؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۶ - ۲۷؛ حلیۃ الاولیاء، ۹۲ - ۱۰۱، مسند احمد، ج ۵، ص ۸۶ - ۹۰؛ ابو نعیم، ج ۴، ص ۳۳۳.

جابر بن سمره بن عامری خواهرزاده سعد بن ابی وقاص است که بعد از سال هفتاد هجری در کوفه وفات کرد. صاحبان کتب صحیح ۱۶۴ حدیث از او روایت کرده اند. شرح حال او در کتابهای اسدالغابه، تقریب التهذیب و جوامع السیره، ص ۲۷۷ آمده است.

در روایت دیگری می گوید: سپس رسول خدا (صلی الله علیه وآله) سخنانی فرمود که بر من پوشیده ماند، از پدرم پرسیدم: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چه فرمود؟ پدرم گفت: فرمود: همگی آنان از قریش اند. (۱)
در روایت دیگری است که فرمود: «دشمنی کسانی که با آنان دشمنی کنند، زیانی به ایشان نمی رساند». (۲)

(ب) در روایت دیگری است که رسول خدا فرمود:

(لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ مُسْتَقِيمًا أُمَرَاءَ، ظَاهِرَةً عَلَى عَدُوِّهَا، حَتَّى يُمَضَى مِنْهُمْ إِثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ، ثُمَّ يَكُونُ الْمَرْجُ أَوْ الْهَرَجُ).

«کار این امت همیشه به سامان است و پیوسته بر دشمنانشان پیروزند تا آنگاه که دوازده نفر خلیفه، همگی از قریش، در گذرند. پس از آن فساد و خرابی یا فتنه و آشوب خواهد بود». (۳)

(ج) در روایت دیگری آمده است که فرمود:

«این امت دوازده نفر قیم دارد که هر کس آنان را یاری نکند، زیانی به ایشان نرساند، همگی آنان از قریش اند». (۴)

پاورقی:

-
- ۱- فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۸؛ مستدرک الصحيحین، ج ۳، ص ۶۱۷.
 - ۲- فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۸.
 - ۳- منتخب کنز العمال، ج ۵، ص ۳۲۱؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۴۹؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۶؛ الصواعق المحرقة، ص ۲۸.
 - ۴- کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۷ و منتخب آن، ج ۵، ص ۳۱۲.

(د) در روایت دیگری فرمود:

« کار این مردم تا هنگامی که دوازده مرد بر آنان ولایت داشته باشند، همواره در جریان است ». (۱)

(ه) از قول انس روایت کنند که آن حضرت فرمود:

« این دین تا دوازده نفر از قریش باشند، به هیچ روی نابود نگردد؛ و چون از دنیا بروند، زمین نیز، اهل خود را فرو می برد ». (۲)

(و) در روایت دیگری فرمود:

« کار این امت، تا هنگامی که همه آن دوازده نفر قیام کنند، همیشه قرین پیروزی است. آنان همگی از قریش اند ». (۳)

(ز) احمد بن حنبل و حاکم و دیگران از مسروق روایت کنند که گفت: شبی نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او قرآن به ما می آموخت که مردی پرسید: ای ابا عبدالرحمان! آیا از رسول خدا پرسیدید چه تعداد از این امت به خلافت می رسند؟ عبدالله گفت: از هنگامی که به عراق آمده ام، هیچ کس پیش از تو، چنین سؤالی از من نکرده است. بعد گفت: ما این موضوع را [از رسول خدا (صلی الله علیه وآله)] پرسیدیم و آن حضرت فرمود:

پاورقی:

-
- ۱- شرح صحیح مسلم، نووی، ج ۱۲، ص ۲۰۲؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۸؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰.
۲- کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۷.
۳- همان.

« آنان دوازده نفرند، به تعداد نقبای بنی اسرائیل ». (۱)

ح) در روایت دیگری ابن مسعود گوید: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

« خلفای بعد از من به تعداد اصحاب موسی هستند ». (۲)

ابن اثیر گوید: همانند این از عبدالله بن عمر و حذیفه و ابن عباس نیز، روایت شده است. (۳)

مؤلف گوید: نمی دانم مقصود ابن کثیر از روایت ابن عباس، همان است که حاکم حسکانی از ابن عباس روایت کرده یا غیر آن است. روایات گذشته صریحا می گوید: « عدد والیان دوازده نفر و همگی از قریش اند » و امام علی (علیه السلام) در سخن خود مقصود از « قریش » را در این روایات بیان کرده و می فرماید:

« همه امامان از قریش اند و در این تیره از هاشم [اهل البیت (علیهم السلام)] جایگزین شده اند، [ولایت] برای غیر آنان روا

پاورقی:

۱- مسند احمد، ج ۱، ص ۳۹۸ - ۴۰۶؛ احمد شاکر در حاشیه اول ۳۹۸ گوید: اسناد آن صحیح است. مستدرک حاکم و تلخیص آن، ج ۴، ص ۵۰۱؛ فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۹؛ مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۹۰؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۲؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰؛ جامع الصیفر، سیوطی، ج ۱، ص ۷۵؛ کنز العمال، متقی، ج ۱۳ ص ۲۷ گوید: طبرانی و نعیم بن حماد نیز آن را در فتن آورده اند. فیض القدیر، ج ۲، ص ۴۵۸؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۴۸ - ۲۵۰، در باب ذکر الأئمة الاثنی عشر الذين كلهم من قریش، از ابن مسعود.

۲- تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۴۸؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۷؛ شواهد التنزیل حسکانی، ج ۱، ص ۴۵۵، حدیث ۶۲۶.

۳- ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۴۸.

نیست و والیان جز ایشان شایسته [ولایت] نباشند». (۱)

و نیز فرمود:

(اللَّهُمَّ بَلِّ لَّا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ إِمَّا ظَاهِرًا مشهوراً
أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتِهِ...).

خداوند! آری، زمین هرگز از قیام کننده به حق برای خدا خالی
نخواهد شد، [این امام قائم] یا پیروز است و نمایان و یا خائف است
و پنهان، تا حجت‌های خدا و نشانه‌های روشن الهی نابود نگردد. (۲)

امامان دوازده گانه در تورات

ابن کثیر گوید: در توراتی که در دست اهل کتاب است موضوعی آمده که
معنای آن چنین است:

«خداوند متعال ابراهیم (علیه السلام) را به وجود اسماعیل
(علیه السلام) بشارت داد و فرمود: اسماعیل را زیادتی بخشم و
نسل او را گسترده گردانم و در بین آنان دوازده نفر از بزرگان و
فرزانگان قرار دهم».

پاورقی:

۱- نهج البلاغة، خطبه ۱۴۲.

۲- ینابیع المودة، شیخ سلیمان حنفی در باب صدم، ص ۵۲۳؛ احیاء علوم الدین، غزالی، ج ۱، ص ۴؛ حلیۃ الاولیاء، ج ۱، ص ۸۰ فشرده.

و گوید:

« ابن تیمیه گوید: اینان که به وجودشان بشارت داده شده، همان است که در حدیث جابر بن سمره آمده و مقرر گردیده تا در میان امت پراکنده باشند و اینکه قیامت برپا نگردد مگر آنکه موجود شده باشند، و بسیاری از یهودیانی که به اسلام مشرف شده اند، اشتباه کرده و پنداشته اند آنان همان کسانی اند که فرقه رافضه [شیعیان دوازده امامی] به سوی آنان دعوت کرده و از ایشان پیروی می کنند ». (۱)

مؤلف گوید: بشارت مورد اشاره در « سفر پیدایش » تورات امروزین، باب [۱۷، شماره ۱۸ - ۲۰] اصل عبری چنین است:

« قی لیشماعیل بیرختی اوتو قی هفریتی اوتو قی هربیتی بمئود شنیم عسار نسیئیم یولید قی نتتیف لگوی گدول ». (۲)

ترجمه: اسماعیل را مبارک ساخته و جداً او را بهره مند و پربرار و کثیر و گسترده گردانم، دوازده عدد امام از او پدید آید و او را به امت بزرگ و عظیمی تبدیل خواهیم کرد.

این بخش از تورات اشاره به آن دارد که، مبارکی و پرباری و کثرت افراد تنها در نسل اسماعیل (علیه السلام) است.

پاورقی:

۱- تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۴۹ - ۲۵۰.

۲- عهد قدیم، سفر التکرین، باب ۱۷، ش ۲۰، ص ۲۳ - ۲۳.

واژه « شنییم عسار » یعنی : دوازده نفر، که لفظ « عسار » در اعداد ترکیبی که معدود آن مذکر باشد، می آید (۱) و معدود در اینجا « نسیئیم » و مذکر است و با اضافه شدن « یم » در آخر آن معنای جمع می دهد. مفرد آن « ناسی » یعنی: امام و پیشوا و رئیس است. (۲)

و اما سخن خداوند به ابراهیم (علیه السلام) در همان بخش نیز، یعنی عبارت « فی نتنیف لگوی گدول »، واژه « فی نتنیف » مرکب است از « فی » که حرف عطف است، و « ناتن » که فعل است و به معنای: قرار می دهم، و « یف » که ضمیر است و در آخر فعل آمده به اسماعیل (علیه السلام) باز می گردد، یعنی: او را [چنین] قرار می دهم. (۳) و اما لفظ « گوی » به معنای امت و مردم است، (۴) و « گدول » به معنای « کبیر و عظیم » او را امت کبیر و بزرگی گردانم ». (۵) و تمام جمله یعنی

از مجموع این فقره روشن می گردد که مقصود از « کثرت و برکت » در نسل اسماعیل (علیه السلام) دقیقاً: رسول خدا محمد (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) می باشند، و آنانند که دنباله و امتداد نسل اسماعیل هستند. زیرا، خداوند متعال به ابراهیم فرمود: از سرزمین نمرود خارج شده و به شام برو. آن حضرت نیز، همراه با همسرش ساره و لوط به فرمان خدا هجرت کردند و در سرزمین فلسطین فرود آمدند.

خداوند متعال ثروت ابراهیم را بسیار فزونی بخشید. ابراهیم گفت: « خداوندا

پاورقی:

۱- المعجم الحديث: عبری عربی، ص ۳۱۶.

۲- همان، ص ۳۶۰.

۳- همان، ص ۸۴ و ۳۱۷.

۴- المعجم الحديث، عبری عربی، ص ۸۴ - ۳۱۷.

۵- همان.

من با این مال بدون اولاد چه کنم؟ « خدای متعال به او وحی کرد: « من فرزندان تو را به قدری کثیر و بسیار گردانم که به تعداد ستارگان باشند » در آن زمان هاجر کنیزک ساره بود و او را به ابراهیم بخشید، هاجر از ابراهیم باردار شد و اسماعیل را برای او به دنیا آورد. سن ابراهیم در آن حال ۸۶ سال بود. (۱)

قرآن کریم در ضمن دعای ابراهیم و درخواست او از خدای متعال، به این حقیقت روشن اشاره کرده و می فرماید: ابراهیم گفت:

(رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ). (۲)

پروردگارا! من برخی از ذریه خود را در بیابانی خشک، در کنار خانه محترم تو جای دادم تا نماز را به پای دارند. پروردگارا! دلهایی از مردمان را به سوی آنان بگردان و آنان را از ثمرات روزی ده باشد که سپاس گویند.

این آیه کریمه تأکید می کند که ابراهیم برخی از ذریه و نسل خود را که اسماعیل و فرزندان متولد او در مکه بودند، در کنار خانه خدا جای داد و از خدای متعال درخواست کرد تا رحمت و هدایت بشر در طول تاریخ را بر عهده ذریه و فرزندان او قرار دهد، خداوند نیز دعوتش را پذیرفته و آن را در نسل او، محمد (صلی الله علیه وآله) و دوازده امام قرار داده است.

امام باقر (علیه السلام) در این باره فرموده است:

پاورقی:

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۴-۲۵، نشر مؤسسه نشر فرهنگ اهل البیت (علیهم السلام)،

قم.

۲- سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

(نَحْنُ بَقِيَّةُ تِلْكَ الْعِتْرَةِ وَ كَانَتْ دَعْوَةُ اِبْرَاهِيمَ لَنَا).

ماييم بقيه آن [ذريه و] عترت و دعای ابراهيم برای ما بود. (۱)

فشرده احاديث گذشته

خلاصه آنچه که گذشت و نتیجه آن، این می شود که:

« تعداد امامان در این امت دوازده نفر پی در پی هستند، و پس از دوازدهمین امام، عمر این دنیا پایان می گیرد ».

در حدیث اول آمده بود:

« این دین تا قیام قیامت و تا هنگامی که دوازده خلیفه بر سر شما باشند، استوار و برپا خواهد بود... ».

این حدیث، مدت بر پا بودن این دین را تعیین، و آن را به برپایی قیامت محدود ساخته و تعداد امامان این امت را دوازده نفر دانسته است. در حدیث پنجم آمده بود:

« این دین پیوسته تا زمانی که دوازده نفر از قریش موجود باشند استوار و برپاست، و هنگامی که درگذرند، زمین اهل خود را

پاورقی:

۱- آنچه در اصل عبری تورات و تعلیقه آن آمده، آن را از مقاله استاد احمد الواسطی در مجله توحید نشریه سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ش ۵۴ (ص ۱۲۷ - ۱۲۸) نقل کردیم.

فرو می برد.»

این حدیث نیز، وجود و بقای دین را تا پایان عمر امامان دوازده گانه تأیید کرده و پایان عمر آنان را پایان دنیا می داند. در حدیث هشتم نیز، عدد امامان (علیهم السلام) را تنها دوازده نفر دانسته و فرموده:

« خلفای پس از من به تعداد اصحاب موسی هستند.»

این حدیث دلالت بر آن دارد که بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به جز خلفای دوازده گانه، خلیفه دیگری نخواهد بود. الفاظ این روایات که با صراحت می گویند: « عدد خلفا تنها دوازده نفر است و بعد از آنان هرج و مرج و نابودی زمین و برپائی قیامت است » دیگر الفاظی را که چنین صراحتی از آنها دانسته نمی شود، بیان و تبیین می کند. بنابراین، لازم است عمر یکی از امامان دوازده گانه، بر خلاف عمر عادی انسانها، طولانی و خارق العاده باشد. چنانکه اکنون واقع شده و دوازدهمین امام از « ائمه اثنی عشر » و اوصیای رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بدین گونه است.

حیرت علما در تفسیر این حدیث

دانشمندان مکتب خلفا در بیان مقصود از « امامان دوازده گانه » که در این روایت آمده است، دچار حیرت و زحمت شده و دیدگاههای متفاوتی ارائه داده اند.

ابن عربی شارح سنن ترمذی گوید:

ما امیران بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را که برشمردیم دیدیم: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن و معاویه، یزید، معاویه بن یزید، مروان، عبدالملک مروان، ولید، سلیمان، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک، مروان بن محمد بن مروان، سفاح و... هستند.

او پس از آن بیست و هفت نفر از خلفای عباسی تا عصر خود را برشمرده و گوید:

«اگر از مجموع آنها «دوازده نفر» را به صورت ظاهر شماره کنیم آخرین آنها سلیمان بن عبدالملک است، و اگر به معنای واقعی خلیفه نظر داشته باشیم، تنها پنج نفر برای ما باقی می ماند: خلفای چهارگانه و عمر بن عبدالعزیز. بنابراین، من معنایی برای این حدیث نمی یابم.» (۱)

قاضی عیاش در جواب این سخن که می گوید: بیش از این تعداد [دوازده نفر] به ولایت رسیدند، گفته است:

«این اعتراضی نادرست است. زیرا پیامبر (صلی الله علیه وآله) نفرموده است تنها دوازده نفر به ولایت می رسند. البته این تعداد به ولایت رسیده اند و این مطلب از اضافه شدن بر تعداد آنها منع نمی کند.» (۲)

پاورقی:

۱- شرح ابن عربی بر سنن ترمذی، ج ۹، ص ۶۸ - ۶۹.

۲- شرح نووی بر صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۱ - ۲۰۲؛ فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۹. عبارت متن از اوست، در ص ۳۴۱ نیز آن را آورده است.

سیوطی در جواب آن سخنی را نقل کرده که گوید:

« مراد حدیث، وجود « دوازده نفر خلیفه » در طول دوران اسلام تا قیامت است که عامل بر حق باشند، اگرچه پی در پی نباشند ». (۱)

در فتح الباری گوید:

« یقیناً از این تعداد [دوازده نفر] خلفای چهارگانه در گذشته اند، و بقیه نیز، به ناچار باید تا پیش از برپایی قیامت، تکمیل گردد ». (۲)

ابن جوزی گوید:

« بنابراین، آنجا که فرموده: « سپس فتنه و آشوب خواهد بود » مراد فتنه های پیش از برپایی قیامت مانند: خروج دجال و بعد آن می باشد ». (۳)

سیوطی گوید:

« از این « دوازده نفر » خلفای چهارگانه و حسن و معاویه و عبدالله بن زبیر و عمر بن عبدالعزیز، این هشت نفر، روی کار آمده اند و احتمال اینکه مهدی عباسی را هم به آنان اضافه کنیم - که او در بین عباسیان همانند عمر بن عبدالعزیز در میان امویان است

پاورقی:

۱- تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۲.

۲- فتح الباری، ج ۶، ص ۳۴۱؛ تاریخ الخلفاء، ص ۱۲.

۳- همان.

- و نیز، طاهر عباسی را به خاطر عدالت خواهی اش، باز هم دو نفر باقی و مورد انتظار است که یکی از آنان مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله) از اهل البیت خواهد بود». (۱)

و نیز، گفته شده:

مراد حدیث آن است که، آن «دوازده نفر» در دوران عزت خلافت و قوت اسلام و استواری امور آن باشند، از کسانی که در زمان وی، اسلام عزیز گشته و همه مسلمانان پیرامون او گرد آیند». (۲)

بیهقی گوید:

«این تعداد [دوازده نفر] تا زمان ولید بن یزید بن عبدالملک روی کار آمدند، سپس فتنه و آشوب بزرگ برپا شد و پس از آن حکومت عباسیان غالب آمد، و اینکه بر عدد مذکور می افزایند بدان خاطر است که صفت مورد اشاره در حدیث را رها کرده و یا کسانی را که بعد از فتنه مذکور آمده اند از آنان شمرده اند». (۳)

و نیز گفته اند:

پاورقی:

۱- الصواعق المحرقة، ص ۱۹ و تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۲. بنابراین، برای پیروان مکتب خلفا دو امام منتظر خواهد بود که یکی از آنان مهدی (علیه السلام) است در حالی که پیروان مکتب اهل البیت (علیهم السلام) تنها یک امام منتظر دارند.

۲- نووی در شرح صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۲ - ۲۰۳ به این موضوع اشاره کرده و ابن حجر در فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۸ - ۳۴۱ و سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص ۱۰ آن را آورده اند.
۳- تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۴۹، به نقل از بیهقی.

« کسانی که امت بر آنان اجتماع کرده اند: خلفای ثلاثه و سپس علی تا زمان حکمیت در صفین که معاویه را در آن روز خلیفه نامیدند. سپس با صلح حسن بر معاویه اجتماع کردند و پس از او بر پسرش یزید. حسین هم که پیش از رسیدن به خلافت کشته شد. با مرگ یزید اختلاف کردند تا آنکه پس از کشته شدن ابن زبیر، بر عبدالملک مروان اجتماع نمودند و سپس بر فرزندان چهارگانه او: ولید و سلیمان و یزید و هشام که در این جمع عمر بن عبد العزیز میان سلیمان و یزید فاصله شد و دوازدهمین آنان ولید بن یزید بن عبدالملک بود که مردم پس از هشام بر او اجتماع کردند و او چهار سال حکومت کرد ». (۱)

بنابراین، خلافت این دوازده نفر به خاطر اجتماع مسلمانان بر آنها صحیح است، و پیامبر (صلی الله علیه وآله) مسلمانان را به خلافت و جانشینی اینان از خودش - در حمل و انتقال اسلام به مردم - بشارت داده است!

ابن حجر درباره این توجیه گوید:

« این بهترین توجیه است ».

و ابن کثیر گوید:

« راهی را که بیهقی پیموده و عده ای با وی موافقت کرده اند، یعنی اینکه، مراد حدیث خلفای پی در پی تا زمان ولید بن عبدالملک فاسق می باشد، ولیدی که در گذشته در مذمت او سخن

پاورقی:

۱- تاریخ الخلفاء، ص ۱۱؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۹؛ فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۴۱.

گفتیم، راهی غیرمقبول است. زیرا، خلفای مورد اشاره تا زمان ابن ولید، بیش از دوازده نفرند، دلیل آن، این است که: خلافت ابوبکر و عمر و عثمان و علی مسلم است... پس از آنان حسن بن علی است چنانکه واقع شد و علی او را وصی خود قرار داد و مردم عراق با او بیعت کردند... تا آنکه او و معاویه صلح کردند. سپس پسر معاویه یزید و بعد، پسر یزید معاویه بن یزید و سپس مروان بن حکم و بعد پسرش عبدالملک مروان و ولید بن عبدالملک، سپس سلیمان بن عبدالملک، و بعد عمر بن عبدالعزیز و پس از وی یزید بن عبدالملک و بعد هشام بن عبدالملک، که جمع آنها پانزده نفر می شود و سپس ولید بن یزید بن عبدالملک، و اگر حکومت ابن زبیر پیش از عبدالملک را نیز به حساب آوریم، می شوند شانزده نفر، و با این حساب، یزید بن معاویه جزء آن دوازده نفر شده و عمر بن عبدالعزیز که همه پیشوایان بر مدح و سپاس او متفق القولند، و او را از خلفای راشدین به شمار آورده و همه مردم بر عدالت او اتفاق نظر دارند، و دوران او از بهترین دورانها بوده و حتی شیعیان نیز بدان اعتراف دارند، از جمع «دوازده نفر» خارج می گردد.

و اگر بگویند: من تنها کسانی را به حساب می آورم که امت بر آنان اجتماع کرده باشند، لازمه اش آن است که علی بن ابی طالب و فرزندش به حساب نیایند، زیرا همه مردم بر آن دو اجتماع نکردند، دلیلش آنکه مردم شام، همگی، از بیعت با او سر باز زدند.»

و نیز گویند:

«برخی توجیه کنندگان، معاویه و پسرش یزید و نوه اش

معاویة بن یزید را به شمار آورده، و زمان مروان و ابن زبیر را قید نکرده اند، زیرا امت بر هیچ یک از آنها اجتماع نکرده اند.»

بنابر این دیدگاه نیز، می‌گوییم:

«در این مسلک خلفای سه گانه سپس معاویه و بعد یزید و سپس عبدالملک و بعد ولید بن سلیمان و سپس عمر بن عبدالعزیز و بعد یزید و بعد هشام به شمار آیند که جمعاً ده نفرند و بعد از آنها ولید بن یزید بن عبدالملک فاسق است که لازمه این دیدگاه نیز، اخراج علی و پسرش حسن خواهد بود، و این دقیقاً بر خلاف آنی است که امامان اهل سنت و بلکه شیعه بر آن تصریح کرده اند.» (۱)

ابن جوزی در کتاب کشف المشکل در جواب از این توجیهات دو وجه دیگر را نقل کرده که گویند:

اول - «پیامبر (صلی الله علیه وآله) در حدیث خویش اشاره به حوادث بعد از خود و اصحاب خود ندارند، و چون حکم اصحاب با حکم آن حضرت پیوسته و مرتبط است، نتیجه می‌گیریم که خبر از حکومت‌های واقع شده پس از صحابه است و چنان می‌نماید که با بیان خود اشاره به عدد خلفای بنی امیه دارد، و گویا سخن آن حضرت «لا یزال الدین» یعنی: ولایت تا آنجا که دوازده خلیفه به حکومت رسند، سپس اوضاع به حالت دیگری، بدتر از حال اول،

پاورقی:

۱- تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۴۹ - ۲۵۰.

آخرینشان مروان حمار است که تعدادشان « سیزده نفر » می باشد، و عثمان و معاویه و ابن زبیر به شمار نیایند، زیرا آنها از صحابه اند و اگر مروان بن حکم را نیز - به دلیل اختلاف در صحابی بودن یا مغلوبیتش در برابر عبدالله بن زبیر و اجتماع مردم بر عبدالله - از جمع مذکور خارج کنیم « عدد دوازده » راست می آید، و پس از خروج خلافت از دست بنی امیه نیز، فتنه های عظیم و خونریزیهای بسیار واقع شد تا آنکه دولت بنی عباس مستقر گردید و اوضاع از آنچه بر آن بود، کاملاً متغیر و دگرگون شد. (۱)

ابن حجر در فتح الباری این استدلال را مردود دانسته است.

دوم - ابن جوزی « وجه دوم » را از جزوه ای که ابوالحسین بن منادی درباره مهدی گرد آورده نقل کرده که گوید:

« ممکن است این موضوع مربوط به بعد از مهدی ای باشد که در آخر الزمان خروج می کند. زیرا، من در کتاب دانیال دیده ام که: « هنگامی که مهدی وفات کند، پنج تن از نوادگان سبط اکبر به حکومت می رسند، سپس پنج تن از نوادگان سبط اصغر، پس از آن آخرینشان مردی از سبط اکبر را وصی خود می کند، بعد از او پسرش به حکومت می رسد و بدین ترتیب « دوازده نفر » حاکم می شوند که هر یک از آنان امام و مهدی هستند. گوید: در روایات دیگری است «... پس از او دوازده نفر مرد: شش تن از اولاد حسن، و پنج تن از اولاد حسین، و یک نفر از غیر ایشان به حکومت می

پاورقی:

۱- فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۴۰، به نقل از ابن جوزی در کتاب کشف المشکل.

رسند و چون فرد اخیر می میرد فساد عالم گیر می شود.»

ابن حجر در صواعق خود بر این حدیث حاشیه زده و گوید:

«این روایت، یقیناً روایتی واهی است و اعتمادی بر آن نیست!» (۱)

گروه دیگری گویند:

«ظن غالب آن است که آن حضرت (علیه الصلاة والسلام)، در این حدیث، از عجایب بعد از خود خبر داده، فتنه هایی که «مردم را در یک زمان متفرق کرده و تحت فرمان «دوازده» امیر می کشاند و اگر غیر این را اراده کرده بود می فرمود: «دوازده امیرند که چنین می کنند» و چون چنین وصفی برای آنها بیان نکرده اینگونه می فهمیم که اینان در زمان واحد خواهند بود...» (۲)

گفته اند در قرن پنجم هجری تنها در «اندلس» واقعه ای رخ داد که شش نفر همگی خود را «خلیفه» می نامیدند. اضافه بر آنها، حاکم مصر، خلیفه عباسی بغداد و دیگر مدعیان خلافت، از علویان و خوارج نیز، مدعی خلافت بودند. (۳)

ابن حجر درباره این توجیه گوید:

«این سخن کسی است که به چیزی از طرق حدیث - جز آنچه

پاورقی:

۱- فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۴۱؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۹.

۲- فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۸.

۳- شرح نووی، ج ۱۲، ص ۲۰۲؛ فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۹.

که به نحو فشرده در بخاری آمده - آگاهی نداشته است». (۱) و نیز گوید: «وجود آنان در زمان واحد، عین پراکندگی و افتراق است و نمی تواند مراد حدیث باشد». (۲)

مؤلف گوید:

بدین گونه، علمای مکتب خلفا در تفسیر روایات گذشته، به دیدگاه واحدی نرسیدند. علاوه بر آن، از آوردن روایاتی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اسامی آن دوازده نفر را بیان فرموده نیز، اغماض و اهمال کرده اند. زیرا، با سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون متمادی در تخالف و تضاد بوده است. این روایات را محدثان مکتب اهل البیت (علیهم السلام) در تألیفات خود با اسنادی که به نیکان صحابه می رسد، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده اند و ما در بخش آینده به آوردن اندکی از آنها که هر دو گروه در کتب خود آورده اند، بسنده می کنیم.

اسامی دوازده نفر در مکتب خلفا

الف) امام جوینی (۳) از عبدالله بن عباس روایت کند که گفت: رسول خدا پاورقی:

۱- فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۸.

۲- همان، ص ۳۳۹.

۳- ذهبی، رجال معروف در کتاب تذکره الحفاظ، ص ۱۵۰۵، درباره او گوید: امام محدث یگانه اکمل، فخرالاسلام، صدرالدین ابراهیم محمد بن حمویه جوینی شافعی، شیخ صوفیه، شدیداً نسبت به روایت و گردآوری اجزای آن عنایت داشت. غازان شاه به دست او اسلام آورد.

(صلی الله علیه وآله) فرمود:

(أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَ إِنِّ
أَوْصِيَائِي بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ، أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَ آخِرُهُمْ
الْمَهْدِيُّ).

من آقای پیامبران و علی بن ابی طالب آقای اوصیاست، همانا
اوصیایم پس از من « دوازده » نفرند، او لاینشان علی بن ابی طالب
و آخرینشان مهدی است.

(ب) امام جوینی باز هم به سند خود از ابن عباس روایت کند که گفت: رسول
خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

« همانا خلفای من و اوصیایم و حجت‌های خدا بر مردم پس از
من « دوازده » نفرند، اولینشان برادرم و آخرینشان فرزندم خواهد
بود. گفته شد: ای رسول خدا! برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن
ابی طالب. گفته شد: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی است. کسی
که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که از ظلم و ستم
انباشته شده است. قسم به آنکه مرا بشارتگر و بیم دهنده بر حق
فرستاده، اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند این روز را
آنقدر طولانی کند تا فرزند من مهدی در آن خروج کند و روح خدا
عیسی بن مریم فرود آید و در پس او نماز بگذارد و زمین از نور
پروردگارش روشن گردد، و فرمانروائی اش مشرق و مغرب را فرا
گیرد. »

(ج) جوینی باز هم به سند خود روایت کند که راوی گفت: شنیدم رسول خدا
می فرمود:

(أَنَا وَ عَلِيَّ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ تِسْعَةً مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ
مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ).

من و علی و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین
پاکیزگان و معصومانیم. (۱)

سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون بر آن بود که امثال اینگونه احادیث را از دسترس ابنای امت اسلامی به دور داشته و بر آنها پرده پوشاند و راستی را که بخش عظیم پیروان این مکتب در این راه، جهاد شایانی کردند، و ما نمونه هایی از آن را در بحث و بررسی از اقدامات مکتب خلفا با نصوص سنت رسول الله (صلی الله علیه وآله) که مخالف دیدگاهشان بود در معالم المدرستین آوردیم و چون در این بحث مجالی برای آوردن آن احادیث نداریم، تنها روایاتی را می آوریم که به معرفی امامان دوازده گانه پرداخته است. روایاتی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که در آنها متواتراً به اسامی ایشان اشاره و تصریح شده است.

معرفی امامان دوازده گانه بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

امام اول: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، پدرش ابوطالب بن عبدالمطلب

پاورقی:

۱- احادیث: الف، ب و ج در کتاب فرائد السمطين: نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۱۶۴ و ۱۶۹۰ - ۱۶۹۱، برگه ۱۶۰ آمده است.

بن هاشم و مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم.
کنیت آن حضرت: ابولحسن و الحسین، ابو تراب.
لقب آن حضرت: وصی، امیرالمؤمنین.
تولد آن حضرت: در سال سی ام پس از «عام الفیل» در بیت الله الحرام، (۱)
کعبه، به دنیا آمد.

وفات آن حضرت: در سال چهلیم هجری به دست عبدالرحمن بن ملجم، یکی
از خوارج به شهادت رسید و در بیرون کوفه، نجف اشرف، دفن گردید.

امام دوم: حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام).
مادرش فاطمه زهرا (علیها السلام) دخت گرامی رسول خدا (صلی الله علیه
وآله).

کنیه آن حضرت: ابو محمد.
لقب آن حضرت: سبط اکبر، مجتبی.
ولادت آن حضرت: در نیمه رمضان سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد.
وفات آن حضرت: در بیست و پنجم ربیع الاول سال پنجاهم هجری به
شهادت رسیده و در بقیع، در مدینه منوره دفن گردید.

امام سوم: حسین بن علی بن ابی طالب (علیهما السلام).
مادرش فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی رسول خدا (صلی الله علیه
وآله).

پاورقی:

۱- فاطمه بنت اسد، مادر امام (علیه السلام)، در حال بارداری مشغول طواف بود که در
زایمان به سراغش آمد، در این هنگام درب کعبه گشوده و او داخل شد و فرزندش علی را به دنیا
آورد. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید: مستدرک، ج ۳، ص ۴۸۳؛ تذکره خواص الامه، ص ۱۰؛
مناقب ابن مغازلی، ص ۷.

کنیت: ابو عبدالله .

لقب: سبط، شهید کربلا.

ولادت: سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه.

وفات: در دهم محرم سال ۶۱ هجری به همراه اهل بیت و یارانش در کربلا به دست یزیدیان به شهادت رسید . مزار آن حضرت نیز، هم اکنون در کربلا یکی از شهرهای عراق است. (۱)

امام چهارم: علی بن الحسین (علیهما السلام).

مادرش غزاله یا شاه زنان.

کنیت: ابوالحسن.

لقب: زین العابدین، سجاد.

تولد: در سال ۳۳ یا ۳۷ یا ۳۸ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۹۴ هجری به شهادت رسیده و در بقیع جنب عمویش امام

حسن (علیه السلام) دفن گردید. (۲)

امام پنجم: محمد بن علی (علیهما السلام).

مادرش ام عبدالله دخت امام حسن بن علی (علیهما السلام).

کنیت: ابو جعفر.

پاورقی:

-
- ۱- مراجعه کنید: شرح حال ائمه: علی و دو فرزندش حسن و حسین (علیهما السلام)، حوادث سال ۴۰-۵۰ و ۶۰ هجری در تاریخ طبری، ابن اثیر، ذهبی و ابن کثیر، و نیز، به شرح حال ایشان در تاریخ بغداد، تاریخ دمشق، استیعاب، اسدالغابه، اصابه و طبقات ابن سعد، چاپ جدید.
- ۲- مراجعه کنید: تاریخ ابن کثیر و ذهبی، حوادث سال ۹۴ ه و نیز، به شرح حال امام (علیه السلام) در طبقات ابن سعد، حلیه الاولیا، وفيات الأعیان و تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳ و . تاریخ مسعودی، ج ۳، ص ۱۶۰.

لقب: باقر.

ولادت: در سال ۵۷ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۱۱۷ هجری در مدینه به شهادت رسیده و در بقیع در کنار

پدرش زین العابدین (علیه السلام) دفن گردید. (۱)

امام ششم: جعفر بن محمد (علیهما السلام).

مادرش ام فروه دخت قاسم بن محمد بن ابی بکر.

کنیت: ابو عبدالله .

لقب: صادق.

ولادت: در سال ۷۳ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۱۴۸ هجری به شهادت رسیده و در بقیع در جنب پدرش امام

باقر (علیه السلام) دفن گردید. (۲)

امام هفتم: موسی بن جعفر (علیهما السلام).

مادرش حمیده.

کنیت: ابوالحسن.

لقب: کاظم.

ولادت: در سال ۱۲۸ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۱۸۳ هجری در زندان خلیفه هارون الرشید در بغداد به

پاورقی:

۱- مراجعه کنید: تذکره الحفاظ، ذهبی؛ وفيات الاعیان؛ صفوة الصفوة؛ حلیة الاولیاء؛ تاریخ

یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰؛ تاریخ الاسلام، ذهبی؛ تاریخ ابن کثیر، حوادث سال ۱۱۵ و ۱۱۷ و ۱۸۸، شرح حال امام باقر (علیه السلام).

۲- مراجعه کنید: شرح حال امام صادق (علیه السلام) در حلیة الاولیاء؛ وفيات الاعیان؛

تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸۱؛ تاریخ مسعودی، ج ۳، ص ۲۴۶.

شهادت رسید و در قبرستان قریش بخش غربی بغداد امروزمین، معروف به شهر کاظمیه دفن گردید. (۱)

امام هشتم: علی بن موسی (علیهما السلام).

مادر: خیزران.

کنیت: ابوالحسن.

لقب: رضا.

ولادت: در سال ۱۵۳ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۰۳ ه به شهادت رسیده و در طوس خراسان [مشهد] مدفون

است. (۲)

امام نهم: محمد بن علی (علیهما السلام).

مادر: سکینه.

کنیت: ابو عبدالله .

لقب: جواد.

ولادت: در سال ۱۹۵ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۲۰ هجری در بغداد به شهادت رسید و در کنار جدش موسی

بن جعفر (علیهما السلام) دفن گردید. (۳)

پاورقی:

۱- مراجعه کنید: شرح حال امام ک اظم (علیه السلام) در مقاتل الطالبیین: تاریخ بغداد؛

وفیات الاعیان؛ صفوة الصفوة؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۸؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۱۴.

۲- مراجعه کنید: تاریخ طبری، ابن کثیر؛ تاریخ الاسلام ذهبی؛ وفیات الاعیان، حوادث سال

۲۰۳ هجری؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۵۳؛ مسعودی، ج ۳، ص ۴۴۱.

۳- مراجعه کنید: تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۵۴؛ وفیات الاعیان؛ شذرات الذهب، ج ۲، ص ۴۸؛

مسعودی، ج ۳، ص ۴۶۴.

امام دهم: علی بن محمد (علیهما السلام).

مادر: سمانه مغربیه.

کنیت: ابوالحسن عسکری.

لقب: هادی.

ولادت: در سال ۲۱۴ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۵۴ هجری به شهادت رسید و در شهر سامرای عراق دفن

گردید. (۱)

امام یازدهم: حسن بن علی (علیهما السلام).

مادر: ام ولد به نام سوسن.

کنیت: ابو محمد.

لقب: عسکری.

ولادت: در سال ۲۳۱ هجری در سامرا.

وفات: در سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسیده و در سامرا دفن گردید. (۲)

امام دوازدهم: حضرت حجت بن الحسن (عجل الله فرجه).

مادر: ام ولد به نام نرجس یا صیقل.

کنیت: ابو عبدالله، ابوالقاسم.

لقب: قائم، منتظر، خلف، مهدی، صاحب الزمان.

ولادت: در سال ۲۵۵ هجری در سامرا.

پاورقی:

۱- مراجعه کنید: تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۶؛ وفيات الاعیان؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۴؛

مسعودی، ج ۴، ص ۸۴.

۲- مراجعه کنید: وفيات الاعیان؛ تذکره الخواص؛ مطالب السنول فی مناقب آل الرسول،

شیخ کمال طلحه شافعی [ت: ۶۵۴ هجری]؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۳.

حضرت آخرین امام از « ائمه دوازده گانه » است که تاکنون زنده است. تا هرگاه خدا بخواهد - به فرمان خدا - قیام آن کرده و جهان را پر از عدل و داد نماید.

تذکر و توضیحی مهم!

در یکی از روایات گذشته آمده بود:

«... دوازده نفر خلیفه از آنان درمی گذرد و پس از آن فتنه و آشوب می گردد.»

و در دیگری آمده بود:

«این دین همواره - تا زمانی که دوازده نفر از قریش باقی باشند - استوار و برپاست، و هرگاه از دنیا بروند زمین اهل خود را فرو می برد.»

این دو عبارت دلالت بر آن دارند که بعد از دوازدهمین امام از امامان پس از رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، عمر این عالم پایان می یابد. بنابراین، لازم است عمر یکی از این دوازده نفر تا نهایت این دنیا به طول انجامد، و این چیزی است که اکنون با طول عمر وصی دوازدهم، مهدی آل محمد (صلی الله علیه وآله)، محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام) به وقوع پیوسته است زیرا، مجموعه آن روایات تنها بر امامان دوازده گانه مذکور صادق بوده و بر غیر ایشان راست نیاید.

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ

ساعت: ۱۱/۲۹

روز: چهارشنبه

۰۵ / خرداد ماه / ۱۳۹۵

کرمرضا خزلی

یار مهربان

www.bagheminoo.com

baghemino.1339@gmail.com

[Tel:09125411283-09356411283](tel:09125411283-09356411283)

گروه رضا خانی